

دوره‌های سنایی پژوهی افغانستان و تأثیرات آن بر سنایی پژوهی ایران و عکس آن (۲۷-۴۴)

صدیق‌الله کلکانی^۱

چکیده

سنایی نه فقط ادیب و شاعری بود که توسط شاعران مورد تمجید و تقلید قرار گرفته باشد، بلکه وی به باور سنایی پژوهان عرفان را نظام‌مند درون شعر فارسی برد و ابواب تصوف را که تا آن وقت به نثر بود در قالب نظم تبویب و جاویدانه کرد. در آثار سنایی تمام معارف اسلامی که تا آن وقت رگه‌های آن در آثار ادبا و شعرا متفرق بود جمع آمد. سنایی در تاریخ عرفان و ادب، به سبب تغییرهایی که در محتوای شعر فارسی ایجاد کرد، جایگاه ویژه دارد و ضمن احترام به این جایگاه، شناخت وی شناخت گوشه‌ای از دانش و معرفت و فرهنگ و اجتماع اواخر سده پنجم و اوایل قرن ششم است. سنایی توسط دانشمندان ولایت خودش مانند غلام‌جیلانی جلالی در مقدمه چهار اثر نایاب سنایی (۱۳۳۲)، غلام سرور همایون در کتاب حکیم سنایی و جهان‌بینی او و علی‌اصغر بشیر در رساله سیری ملک سنایی شصت سال قبل از امروز تمجید و معرفی شده است که در آن زمان این آثار نوشته شده در مورد احوال و آثار سنایی مورد توجه پژوهندگان دنیا به‌ویژه ایران قرار داشت. اما در اثر جنگ‌ها و تجاوز شوروی و کودتا در افغانستان دیگر آن تحقیقات پیگیری نشد و رابطه دانشمندان بیرونی با سنایی پژوهان افغانستان و آثارشان کم شد و به صفر رسید و در مقابل، سنایی پژوهان افغانستان تحت تأثیر سنایی پژوهان بیرونی به‌ویژه ایران قرار گرفتند. محور بحث این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل سه دوره تاریخی سنایی پژوهی در افغانستان و چگونگی تأثیرات سنایی پژوهان افغانستان بر تحقیقات سنایی‌شناسی ایران و عکس آن و عوامل این تأثیرات است.

کلیدواژه‌ها: سنایی، سنایی پژوهی، افغانستان، تاریخ ادبیات.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ دانشیار زبان و ادب فارسی دری، دانشگاه کابل، کابل، افغانستان.
s.kalakani@ut.ac.ir

The Historical Periods of Afghanistan Sanai Studies and its Effects on Iran's Sanai Studies and Vice Versa

Siddiqullah Kalakani¹

Abstract

Not only was Sanai a literary man and a poet who was praised and imitated by other poets, he was also - as researchers studying his works believe - the one who systematically blended mysticism into poetry and made the chapters of Sufism - up until then articulated in prose - eternal by exposing them in poetry. He gathered all Islamic teachings - which were scattered in other writers' works until his time - in his works. Sanai has a special place in the history and chronology of literature and mysticism because of his contributions to changing the context and contents of Persian poetry; therefore, acknowledging his place and studying his works and life are a step in understanding the knowledge, wisdom, culture and society of his age i.e. the late 5th century and early 6th century. Sanai was praised and introduced by scholars of his homeland 60 years ago, a time in which the works concerning Sanai and his life were widely recognized by researchers from all over the world, particularly Iran. Later, due to wars, coup d'état, and Soviet invasion in Afghanistan, these studies came to a halt; as a result, the Afghan researchers were influenced by their non-Afghan (especially Iranian) peers. Analyzing the three historical periods of researching Sanai in Afghanistan and the influence of Afghan researchers on Iranian ones and vice versa, and the reasons of these influences, by using descriptive analytical method and deploying library means, are the pivot and central concerns of this article.

Keywords: Sanai, Sanai studies, Afghanistan, history of literature

1. PhD. Candidate of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran; Associate Professor of Persian Language and Literature, Kabul University, Kabul, Afghanistan, email: s.kalakani@ut.ac.ir

۱. مقدمه

سنایی دوره مطالعه مکمل و عمیق و دقیقی را در فرهنگ اسلامی انجام داده بود و قلمرو زبان فارسی دری را از سطح زبان عوام محله‌های غزنه تا مدارس هرات و خانقاه‌های بلخ و نیشاپور تا عمق کتب فلسفی و داستان‌های تاریخی و منظومه‌های حماسی نور دیده بود (همایون، ۱۳۸۹: ۱۰۲). از سوی دیگر ساختار فرهنگی جامعه ایران قبل از سده ششم را خردگرایی، دنیاگرایی، علم‌گرایی، ملی‌گرایی، اسطوره‌گرایی و تکثرگرایی تشکیل می‌داد؛ اما پس از قرن ششم این ساختار کاملاً دگرگون گردید. توضیح این که ملیت‌گرایی به دیانت‌گرایی، دنیاگرایی به دنیاگریزی، خردگرایی و عقل و استدلال به اشراق‌گرایی تبدیل شد. زندگی سنایی دقیق میان قبل از سده ششم و پس از آن واقع شده است، به همین خاطر سنایی را شاعر دوره گذار قلمداد کرده‌اند. پس شناخت سنایی ضمن لازم بودن، از یک زاویه شناخت دو دوره متمایز از تاریخ کهن خراسان است، چراکه بهتر از هر شاعر مسائل یادشده در شعر سنایی بازتاب دارد. (زرقانی، ۱۳۹۶: ۱۳۸۸: ۸) با در نظرگیری آنچه عرض شد، در این مقاله ضمن تحلیل سه‌دوره تاریخی سنایی‌پژوهی در افغانستان به پرسش‌های از این دست پاسخ ارائه خواهد شد:

- دوره‌های تاریخی سنایی‌پژوهی در افغانستان کدام‌ها هستند و چه مراحل را طی کرده‌اند؟
- تأثیر آثار سنایی‌پژوهان افغانستان بالای^۱ تحقیقات پژوهندگان ایران چه مرحله داشته است؟
- آثار سنایی‌پژوهان ایران در دوره‌های تاریخی سنایی‌پژوهی در افغانستان چه تأثیری داشته است؟

۲. پیشینه پژوهش

سنایی‌پژوهی و پیشینه آن به گونه امروزی در افغانستان حدود نود سال عمر دارد، در کشورهای فارسی‌زبان به‌ویژه ایران در نود سال قبل کم‌وبیش مانند افغانستان بوده است. پژوهندگان افغانستان از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران استفاده کرده‌اند و طرف ایران نیز از آثار پدیدآمده توسط دانشمندان افغانستان متأثر بوده‌اند اما در این دو کشور اثری که میزان تأثیرپذیری دانشمندان یک کشور مثلاً تأثیرپذیری سنایی‌پژوهان افغانستان از آثار سنایی‌پژوهان ایران و یا عکس آن را مشخص بسازد و درجه و عوامل استفاده از منابع یک‌دیگر را نشان دهد، پدید نیامده است؛ تنها غلام‌رضا سالمیان در رساله کتاب‌شناسی توصیفی سنایی غزنوی که در سال ۱۳۸۶ نوشته است آثار سنایی‌پژوهان افغانستان را به گونه کوتاه معرفی کرده است. به‌طور نمونه در مورد رساله سیری در ملک سنایی از علی‌اصغر بشیر هروی (۱۳۵۶) چنین گوید: «بشیر، علی‌اصغر:

سیری در ملک سنایی، بیهقی، ۱۳۵۶، ۱۶۶ص. این کتاب که به مناسبت مجلس بزرگداشت حکیم سنایی غزنوی منتشر شده [است]، نگاهی تاریخی و انتقادی به احوال و شعر سنایی دارد» (سالمیان، ۱۳۸۶: ۱۹). هدف از آوردن این گزاره آن بود تا بگوییم که آقای سالمیان فقط آثار سنایی پژوهان افغانستان را کوتاه معرفی کرده است. بنابراین ظاهراً نوشته حاضر نخستین کوشش است در راه نشان دادن تأثیرپذیری سنایی پژوهان دو کشور از یکدیگر و عوامل این تأثیرپذیری.

۳. دوره‌های سنایی پژوهی در تاریخ سنایی‌شناسی افغانستان

سنایی‌پژوهی در افغانستان با در نظر داشت تاریخ پر فراز و نشیب سیاسی و اجتماعی افغانستان دارای فراز و فرودهایی است و با توجه به ویژگی‌های کمی و کیفی، صوری و محتوایی و گونه‌های بهره‌مندی از منابع و مآخذ، سنایی‌پژوهی را در افغانستان به سه دوره متمایز می‌توان تقسیم کرد.

۳-۱. دوره نخست تاریخی سنایی‌پژوهی

دوره نخست از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۶ را در بر دارد. این دوره بهترین دوره سنایی‌پژوهی در افغانستان است و دانشمندان این دوره بهترین آثار پژوهشی را نگاشته‌اند. جریان سنایی‌شناسی به معنی اصلی کلمه که آثار مکتوب آن در دست است، در دهه دوم قرن چهاردهم خورشیدی با نوشتن رساله احوال و آثار حکیم سنایی توسط خلیل‌الله خلیلی در سال ۱۳۱۵ آغاز می‌شود. پس از آن پژوهش‌های سنایی‌شناسی با وجود کمبود وسایل چاپ و نشر در افغانستان، در مورد زوایای گوناگون زندگی حکیم سنایی و آثارش توسط دانشمندان، استادان و پژوهندگان افغانستان ادامه می‌یابد و با تشکیل انجمن ادبی غزنویان به همت غلام‌جیلانی جلالی و شیفتگان فرهنگ و ادب په‌ویژه ادبیات عرفانی، چاپ و نشر نوشته‌ها در مورد عرفا و دانشمندان دوره غزنوی به‌ویژه سنایی غزنوی، در ولایت غزنی به‌شدت پیگیری می‌شود. این انجمن در سال ۱۳۳۲ نخستین بار مجموعه چهار کتاب نایاب سنایی (عقل‌نامه، عشق‌نامه، بهرام و بهروز و کارنامه بلخ) را در یک جلد با تصحیح و نوشتن مقدمه مبسوط جلالی نشر می‌کند. به دنبال آن، دو کتاب دیگر منتشر می‌شود: یکی متن سیرالعباد الی‌المعاد و سیرالنفس امام فخرالدین رازی در سال ۱۳۴۴ توسط استاد رضا مایل هروی، و اثر دوم زیر عنوان تأثیر قرآن مجید در دیوان سنایی توسط استاد غلام‌صفر پنجشیری.

باید خاطر نشان کرد که چند نوشته کوتاه در مورد سنایی و آثارش قبل از سال ۱۳۳۲ تولید شده است که نباید از معرفی آن بگذریم. پس از رساله احوال و آثار حکیم سنایی تألیف خلیلی، ملک‌الشعرا قاری عبدالله در

۱۳۱۶ مقاله «حکیم سنایی و سنین عمر او» ی سید سلیمان ندوی هندی را از زبان هندی به فارسی ترجمه و در مجله کابل، سال هشتم، شماره هشتادوسوم قید صفحات ۳۹ تا ۴۹ نشر کرد (سالمیان، ۱۳۸۶: ۷۳). سرور گوپا اعتمادی نیز در سال ۱۳۱۴ زیر عنوان «حدیقه سنایی» در مجله کابل شماره ۵۶، قید صفحات ۷۴ تا ۷۸، در مورد نسخه‌ای از حدیقه گزارش داده است که در کتابخانه ملی کابل نگهداری می‌شود. همین‌گونه گوپا اعتمادی نوشته‌ای دارد در یک صفحه (۱۴-۱۳) تحت عنوان «وفات سنایی» در مجله آریانا شماره هشتم، عقرب ۱۳۲۹. گوپا اعتمادی قبل از اینکه نذیراحمد مکاتیب سنایی را تألیف کند، از حوت ۱۳۲۱ تا میزان ۱۳۲۲ در هفت شماره مجله آریانا مسلسل مکاتیب سنایی را ضمن توضیح نکات نامه‌ها نشر کرده است و در مجله یغما در سال چهارم، شماره ۲، سال ۱۳۳۰ نیز زیر عنوان «راجع به دونامه سنایی» ضمن نشر توضیحات در مورد مکاتیب سنایی دو نامه را نشر کرده است (همان: ۶۷). قابل ذکر است که نویسنده این سطور تا اکنون در کتابخانه‌های افغانستان به خاطر پیدا کردن کارهای اعتمادی و سلیمان ندوی در مورد سنایی جست‌وجوی بیشتر کرد اما به‌جز نامه‌های سنایی که توسط گوپا اعتمادی نشر و تصحیح شده است، دیگر نوشته‌های گوپا اعتمادی و ندوی را از کتابخانه‌های افغانستان پیدا نتوانست. به این خاطر است که نخستین اثر پژوهشی جریان سنایی افغانستان را رساله احوال و آثار حکیم سنایی خلیل‌الله خلیلی دانند.

سال ۱۳۵۶ را باید اوج سنایی‌پژوهی در افغانستان دانست زیرا در این سال برای نخستین بار است که به همت عبدالرحیم نوین وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان در دوره جمهوری محمد داوود، همایش نهمین سالروز میلاد حکیم سنایی به سوبه بین‌المللی برگزار می‌شود. در این همایش از کشورهای فارسی زبان هم‌فرهنگ منطقه و بیشتر کشورهای غیر فارسی زبان عرفان‌دوست جهان، دانشمندان اشتراک کرده بودند. آن همایش نقطه عطفی در سنایی‌پژوهی به شمار می‌رود، چه در آن سال و آن همایش مقالات علمی و تحقیقی بسیاری قرائت گردید و فضای تازه‌ای برای پژوهش‌های سنایی‌شناسی گشوده شد. خوش‌بختانه تعداد ۲۰ مقاله از آن مقاله‌ها و چند کتاب مانند حکیم سنایی و جهان‌بینی او تألیف و تحقیق سرور همایون، سیری در ملک سنایی از علی اصغر بشیر هروی، تحقیق در متن سیرالعباد الی‌المعاد و سیرالنفس از رضا مایل هروی، گزیده حدیقه توسط عبدالحی حبیبی، چاپ دوم مکاتیب سنایی توسط دانشگاه کابل با مقدمه سه‌استاد آن دانشگاه و مقدمه و فهرست‌نویسی نسخه کابل کلیات سنایی توسط علی اصغر بشیر هروی در دست است.

۳-۲. دوره دوم سنایی پژوهی

دوره دوم از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۹ را باید دوره کودتا، تجاوز روس، آغاز جهاد و جنگ داخلی و زمان نابودی همه چیز یا دوره فترت سنایی‌شناسی نامید. جریان سنایی‌شناسی با تأثیرپذیری از اوضاع و احوال مستقیم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در این کشور فراز و فرودهایی را طی کرد و مانند دوره اول، یک جریان پویا ماند و به ایستایی‌های جبران‌ناپذیر و تاسف‌بار مواجه شد که سبب آن معلوم است؛ جنگ و تجاوز و بی‌خانمان شدن مردم این کشور. چنان‌که می‌دانیم پس از سال ۱۳۵۶ یعنی درست در هفتم ثور/ اردی‌بهشت نظام جمهوری با کودتای کمونیستی بر افتاد و پس از آن کشور به اشغال ارتش شوروی در آمد. جهاد در کشور و هجرت از دیار آغاز شد و بسیاری از امورات اساسی کشور تحت تأثیر جنگ و اشغال مختل گشت و شمار زیادی از دانشمندان و محققان ناپدید و با آواره شدند و دیگر مجال نوشتن در دیار هجرت کمتر یافتند. بدین سبب پژوهش‌های سنایی‌پژوهی از آن جریان شتابان بازماند. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ (سال‌های حاکمیت مجاهدین و امارت طالبان) نیز به سبب جنگ و مهاجرت زمینه کار پژوهشی مساعد نبود، یعنی دنباله این جنگ‌ها و کشمکش‌ها تا سال ۱۳۸۰ ادامه یافت. بنابراین از ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۷۹ خورشیدی جز یک رساله و چهار مقاله در مورد سنایی، به دست ما نرسیده است. این نوشته‌ها در زیر فشرده معرفی شده‌اند:

- رساله‌ای زیر عنوان «نقش معرفت سنایی» را عبدالکریم حمیدی غفار غزنوی جمع‌آوری کرده و در ۱۳۷۰ نشر کرده است. این رساله گزیده‌ای از حدیقه، سیرالعباد و طریق‌التحقیق حکیم سنایی به اضافه رساله سیر النفس عاقله امام فخر رازی است.

- مقاله «ذیل سیرالعباد سنایی» را استاد مایل هروی در سال ۱۳۶۰ تحریر و مجله خراسان آن را چاپ کرده است و این مقاله گزارشی است از یک نسخه نفیس قرن هشتم که در کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود. و در آن ضمن چند مثنوی دیگر، سیرالعباد سنایی نیز درج است. در مقاله «ذیل سیرالعباد سنایی» مایل هروی گوید که اوحدالدین طیب رازی ۲۰۰ بیتی را که سنایی در پایان سیرالعباد ضمن تقدیم آن کتاب به محمدبن منصور گفته بود، حذف کرده و به جای آن ۲۰۰ بیت از خود افزوده است و مایل هروی نیز ضمن تقدیم معنی فشرده آن ۲۰۰ بیت به نثر، در پایان مقاله ۲۰۰ بیت را آورده است. (مایل هروی، ۱۳۶۰: ۴۷).

- مقاله «انعکاس عصر و محیط در اشعار سنایی» را عبدالله بختانی خدمتگار در ۱۳۶۱ در مجله عرفان نشر کرده است.

- مقاله «تأملی گذرا و شتابنده بر برخی از اندیشه‌های آموزشی و پرورشی حکیم سنایی غزنوی» را دوست‌محمد پروانی در ۱۳۷۰ نگاشته و مجله عرفان آن را نشر کرده است.
- مقاله «نامه سنایی یا جامی» را سرور همایون نوشته است و در سال ۱۳۶۱ قید صفحات ۱۱۱ تا ۱۱۳ شماره دوم، سال چهارم مجله خراسان اقبال چاپ یافته است (سالمیان، ۱۳۸۶: ۷۳).
- قابل یادکرد است که در این دوره غلام‌سرور همایون یک مقاله در مجلات علمی‌پژوهی بیرونی در سال ۱۳۷۲ زیر عنوان «سال درگذشت حکیم سنایی» در شماره ششم قید صفحات ۷۷ تا ۸۷ مجله قند پارسی به نشر سپرده است. (همان). باید اضافه کرد که مقاله استاد همایون خلاصه صفحات ۲۱ تا ۲۵ و ۷۳ تا ۷۵ کتاب حکیم سنایی و جهان‌بینی خودش است (همایون، ۱۳۷۲: ۸۰؛ همایون، ۱۳۸۹: ۲۱ تا ۲۵ و ۷۳ تا ۷۵)

۳-۳. دوره سوم سنایی‌پژوهی

طوری که در بالا گفتیم دنباله جنگ تا ۱۳۸۰ ادامه یافت، پس از آن آرامشی نسبی در کشور پدید آمد و دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی‌پژوهشی دوباره آغاز به کار کردند؛ سنایی‌پژوهی جانی تازه گرفت، کتاب‌ها و مقالات علمی متعددی با راه و روش‌های نوین نگاشته و تألیف شد که از جهاتی بر بخشی از پژوهش‌های پیشین برتری دارد. ۲۰ سال اخیر از ۱۳۸۰ تا امروز دوره سوم تاریخی سنایی‌پژوهی افغانستان است. گفته آمدیم که از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ مردم آرامی نسبی داشتند، مانند دور نخست، سنایی‌شناسی رونق چشم‌گیر داشت و آثار گسترده تولید و نشر شد که در زیر، آن آثار فشرده می‌آید:

- مقاله «طریق‌التحقیق از کیست» از غلام‌سرور همایون در نامه فرهنگستان، شماره ۲۴، در آذر ۱۳۸۳ نشر شده است. قابل یاد است که این مقاله در همایش نهمین سالروز میلاد سنایی که در سال ۱۳۵۶ در کابل برگزار شده بود، توسط سرور همایون قرائت شده و در مجموعه مقالات نهمین سالروز میلاد سنایی قید صفحات ۱۱۶ تا ۱۳۰ در سال ۱۳۹۲ به اهتمام عبدالحمید نبی‌زاده نشر شده است. (همایون، ۱۳۹۲: ۱۳۰؛ همایون، ۱۳۸۳: ۱۰۰ تا ۱۰۸)
- عبدالجبار عابد کتابی زیر عنوان آزا و اندیشه حکیم سنایی در سال ۱۳۸۴ تألیف کرده است.
- مقاله «سنایی و معرفت حقایق» سیدعلی‌شاه روستایار توسط مجله خراسان در ۱۳۸۴ نشر شده است.
- مقاله «نگرشی بر تازیان‌های سلوک شفیعی کدکنی» را محمد اکبرسنا غزنوی در سال ۱۳۸۵ نوشته است.

- مجله خراسان مجله علمی پژوهشی بخش زبان و ادبیات فارسی دری اکادمی علوم افغانستان، ۲۳ مقاله علمی پژوهشی از استادان و دانشمندان سنایی‌شناس را در ویژه‌نامه سنایی در ۱۳۸۷ برای سنایی‌دوستان نشر کرده است.

- آقای سیدعلی‌شاه روستایار در ۱۳۸۷ رساله علمی خود را زیر عنوان جهان‌بی‌انتها در ۴۵۷ صفحه نشر کرده است.

- استاد قویم مجموعه مقاله‌ها در زمینه شعر عرفانی فارسی دری را در سال ۱۳۸۹ نوشته است که از هفده مقاله این مجموعه چهارمقاله‌اش به سنایی و آثارش اختصاص دارد.

- سیری در ادبیات عرفانی را استاد عبدالقیوم قویم، در سال ۱۳۹۱ نوشته که بیشتر به سنایی و کارکردهایش پرداخته است.

- رساله برخی از موضوعات تعلیمی در دیوان سنایی را عبدالصمد صمیمی تالیف و در سال ۱۳۹۲ نشر کرده است.

- در ۶۶۷ صفحه آقای روستایار اثر پژوهشی حدیقه و مثنوی (مقایسه حدیقه و مثنوی) را در سال ۱۳۹۲ نشر کرده است.

- مجموعه مقالات همایش نهمین سالروز میلاد سنایی در سال ۱۳۵۶ به اهتمام عبدالحمید نبی‌زاده در سال ۱۳۹۲ نشر شده است.

- شرح حدیقه در سه جلد از میان جلسات درس حدیقه استاد عبدالاحد عشرتی مکتوب شده که جلد اول ۴۸۵ صفحه و دوم ۲۵۹ صفحه در سال ۱۳۹۶ و جلد سوم ۴۱۷ صفحه در ۱۳۹۸ نشر شده است. در مقدمه جلد سوم این شرح از ملاقات مولوی و ابن عربی در مدرسه المقدسیه به استناد کتاب «رجال الفکر والدعوة» شیخ ابوالحسن علی‌بن‌علی الحسینی ندوی خبر داده شده است (عشرتی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۱۱).

- رساله «دگرگونی‌های غزل در اندیشه سنایی» را محمدافسر رهبین در سال ۱۳۹۸ نوشته که هنوز نشر نشده است. این کتاب در مورد عشق افلاتونی، شاه‌بازی و مغیجگان و بازتاب آن در آثار کلاسیک فارسی بحث قابل توجهی دارد (رهبین، ۱۳۹۸: ۴۲ تا ۵۸).

قبل از اینکه به بخش دوم این نوشته برویم چند نکته مهم در مورد سه دوره تاریخی سنایی‌پژوهی باید گفت: بیشترین نکات در مورد سنایی و آثارش در دوره نخست سنایی‌پژوهی، از تحلیل‌های خود سنایی‌پژوهان دوره نخست بیرون آمده است نه که از منابع قبلی اخذ کرده باشند. سنایی‌پژوهان به این نکات تا به امروز هم

معتقدند، که در رساله‌ای زیر عنوان نقد و تحلیل پژوهش‌های سنایی‌شناسی افغانستان که تا حال چاپ نشده است، بر آن پرداخته شده است. آثار دوره سوم از نظر ساختار پژوهشی و اصول تحقیق بهتر از سال‌های دور نخست است و اما از نظر محتوا و کشف نکات بکر مانند آثار دوره اول نیست. بیشتر رساله‌ها با داشتن ساختار پژوهشی بهتر، محتوای تکراری دارند. برخی از مطالب تحقیقات ۲۰ سال اخیر (دوره سوم) از پژوهش‌های دانشمندان سال‌های قبل از ۱۳۵۷ (دوره اول) نقل و کاپی شده است.

نکته دیگر اینکه از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۶ بیشتر از همه خلیل‌الله خلیلی و سرور گویا اعتمادی در مورد سنایی و احوال و آثارش نوشته‌اند. از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۳ سرور همایون بیشتر از دیگران درباره سنایی نوشته است و در بیست سال اخیر سیدعلی شاه روستایار بیشتر از همه سنایی پژوهان در مورد سنایی قلم زده است که ذکر آثارشان در بالا فشرده آمد.

۴. تأثیر سنایی پژوهان ایران بالای آثار سنایی پژوهان افغانستان و عکس آن

در نخست ما تأثیرات آثار سنایی پژوهی ایران بر آثار سنایی‌شناسان افغانستان را کوتاه بررسی می‌کنیم، سپس عکس مسئله را.

۴-۱. تأثیرات آثار سنایی پژوهان ایران بالای آثار سنایی پژوهان افغانستان

در دوره نخست تاریخی سنایی پژوهی (۱۳۱۵ تا ۱۳۵۶) در افغانستان، سنایی پژوهان از چند منبع محدود چاپ ایران مانند تاریخ ادبیات ایران از دکتر رضازاده شفق، منتخبات تاریخ ادبیات ایران از بدیع الزمان فروزان‌فر و آثار تصحیح‌شده سنایی توسط مرحوم مدرس رضوی، با کاروان حله زرین کوب و تاریخ نظم و نثر در ایران از سعید نفیسی استفاده کرده‌اند و منابع عمده پژوهشی مورد استفاده ایشان را تذکره‌های قدیمی و قاموس‌های لغت مانند تذکره دولتشاه، تذکره‌واله داغستانی، کشف‌الظنون حاج خلیفه، معجم‌البلدان یاقوت حموی، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ اندراج، قاموس الاعلام شمس‌الدین سامی و مجله کابل، قاموس افغانی و ... تشکیل می‌داد. البته تأثیرپذیری دانشمندان افغانستان از منابع ایرانی طوری بوده است که هر قدر از سال ۱۳۱۵ (که نخستین اثر پژوهشی در مورد سنایی زیر عنوان احوال و آثار حکیم سنایی غزنوی توسط خلیل‌الله خلیلی نگاشته شد) به طرف ۱۳۵۶ می‌آییم تأثیرپذیری و استفاده از منابع ایرانی زیاد می‌شود. برای روشن‌داشت آنچه گفتیم منابع ایرانی مورد استفاده خلیل‌الله خلیلی در رساله مذکور را می‌نویسیم:

- تاریخ ادبیات فارسی از هرمان اته ترجمه رضازاده شفق،
- تاریخ ادبیات ایران از صفا،
- سخن و سخنوران تألیف بدیع الزمان فروزان فر،
- منتخبات ادبیات ایران از بدیع الزمان (خلیلی، ۱۳۱۵: ۶ تا ۱).
- در ۱۳۳۲ که چهار اثر نایاب سنایی (عشق نامه، عقل نامه، بهرام و بهروز، کارنامه بلخ) توسط استاد غلام جیلالی تصحیح و نشر می شود در مقدمه آن چون تمام منابع خود را ذکر نکرده است بنابراین در منابع مذکور جز دیوان سنایی به تصحیح مدرس رضوی منابع ایرانی دیده نمی شود.
- سال ۱۳۵۶ که اوج سنایی شناسی است و پیش نیز یاد کردیم، چند کتاب تحقیقی که ذکرش رفت پدید آمده است و اینجا تنها به منابع ایرانی آن اشاره می کنیم. در رساله تحقیقی حکیم سنایی و جهان بینی او سرور همایون نویسنده این رساله از منابع ایرانی زیر استفاده کرده است:
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۳) با کاروان حله، تهران: نشر آریا.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۴۵) فرهنگ اصطلاحات عرفانی، تهران: نشر طهوری.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۳۰) فیه مافیة مولوی جلال الدین بلخی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- گلچین معانی (بی تا) «کنوز الاسرار»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال چهاردهم، شماره سوم.
- محجوب، جعفر (۱۳۴۵) سبک خراسانی در شعر پارسی، تهران: نشر سازمان تربیت معلم.
- مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۴۸) مثنوی های سنایی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴) تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۳، تهران: نشر فروغی (همایون، ۱۳۸۹: ۳۰۰).
- در رساله تحقیقی سیری در ملک سنایی علی اصغر بشیر در پهلوی منابع داخلی و خارجی غیر ایرانی از چند منبع محدود ایرانی نیز استفاده کرده است که اشاره می شود:
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۳) با کاروان حله، تهران: نشر آریا
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۶) تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: نشر فردوسی.
- مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۴۸) مثنوی های سنایی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۸۸) دیوان سنایی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سنایی (بشیر هروی، ۱۳۵۶: ۱۵۱).

قابل ذکر است که نویسنده سیری در ملک سنایی مکان و زمان منابع خود را ذکر کتاب‌شناسی یا فهرست منابع نکرده است، سال و مکان منابع ایرانی از روی نقل قول‌های نویسنده و تطبیق آن با همان منبع ولی با چاپ جدید پیدا و درج گزاره بالا شد.

دوره دوم سنایی‌پژوهی (۱۳۵۷ تا ۱۳۷۹) طوری که در بخش نخست مقاله ذکر شد، دوره کوتاهی حزب خلق، تجاوز شوروی و جهاد و هجرت بود، مجالی برای تحقیق و تولید آثار پژوهشی نبود و در این محدوده زمانی بیش از یک رساله و چهار مقاله منتشر در مجله‌های داخلی نداریم. فقط در مقاله «تأملی گذرا بر برخی از موضوعات پرورشی و آموزشی» از تعلیقات حدیقه از استاد مدرس رضوی استفاده شده است و در دو مقاله دیگر و یک رساله که در بالا نیز از آن یاد کردیم از منابع ایرانی استفاده نشده است.

در دوره سوم تاریخی سنایی‌پژوهی که در بالا به آن پرداخته شد، بیشترین استفاده از منابع فارسی ایرانی صورت گرفته است. نخست ضمن معرفی فشرده منابع استفاده‌شده ایرانی در آثار تولیدشده این دوره، در مورد اسباب اینکه چرا از این منابع در تولید آثار سنایی‌پژوهی در افغانستان استفاده شده است، بحث می‌شود. حجیم‌ترین اثری که در دوره سوم سنایی‌پژوهی در افغانستان نشر شده است و مشخصات آن قبلاً ذکر شد، رساله پژوهشی سیدعلی شاه روستایار زیر عنوان جهان بی‌انتهاست. در این کتاب از میان ۵۶ منبع به کار رفته ۲۷ منبع آن چاپ ایران است و از میان ۲۷ منبع، ۱۴ منبع آن را تذکره‌های قدیم تشکیل می‌دهد که توسط دانشمندان ایرانی تصحیح، مقدمه‌نویسی و نشر شده است (روستایار، ۱۳۸۷: ۴۵۲ تا ۴۵۷).

آقای عبدالجبار عابد در رساله آرا و اندیشه حکیم سنایی خود از میان ۷۳ منبع که در نوشتن این اثر به کار برده است، ۲۱ منبع آن ایرانی است (عابد، ۱۳۹۶: ۲۷۱ تا ۲۷۷). در دگرگونی در اندیشه‌گاه سنایی محمدافسر رهبین از ۲۱ منبع استفاده‌شده ۷ منبع آن ایرانی است (رهبین، ۱۳۹۸: ۸۴). استاد عشرتی غزنوی که در شرح حدیقه سه‌جلدی خویش به بیش از ۳۰ منبع مراجعه کرده از هفت منبع ایرانی استفاده کرده است (عشرتی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۸۱ تا ۴۸۵؛ عشرتی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۴۱۶ تا ۴۱۹).

در بالا دیدیم که در دوره نخست تاریخی سنایی‌پژوهی، سنایی‌پژوهان افغانستان زیاده‌تر از هفت اثر ایرانی در نوشته‌هایشان استفاده نکرده‌اند. این سخن دو تا نکته را می‌رساند، نکته نخست در دسترس نداشتن آثار ادبی تولیدشده در ایران بنابر عوامل متعدد. دوم اینکه سنایی‌پژوهان دوره نخست بیشتر تحلیل‌هایشان با توجه و تأکید بر منابع داخلی و تذکره‌های قدیمی بود. دوره دوم سنایی‌پژوهی که آن را دوره فترت سنایی‌شناسی به سبب کوتاهی ۱۳۵۷ یاد کردیم، آثار قابل توجهی نداریم تا بر آن پایه تأثیرات منابع ایرانی را در جریان سنایی‌پژوهی این دوره بسنجیم. در دوره سوم تاریخی سنایی‌پژوهی بالاترین تأثیرپذیری از آثار

ایرانی را توسط سنایی پژوهان افغانستان شاهد هستیم که میزان این تاثیرپذیری به مراتب از دوره اول بیشتر است و سبب آن نیز دو سه نکته است که به گونه فشرده بیان می‌شود:

- فقدان منابع داخلی به سبب وقعه آمدن ۲۴ سال میان دوره نخست و سوم سنایی پژوهی، یعنی از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۰. در این مدت جای تحقیق را کودتا و تجاوز شوروی، مهاجرت، جهاد و غم‌های مضاعف پر کرد. با توجه به آنچه گفته آمدیم، سنایی‌شناسان پس از سال ۱۳۸۰ با پیش چشم داشتن منابع دوره نخست داخلی از منابع ایرانی استفاده فراوان کرده‌اند.

- رابطه و مرادوات و شناخت سنایی پژوهان افغانستان از دانشمندان ایرانی و رونق گرفتن تجارت کتاب از ایران به افغانستان، سبب شد که دانشمندان افغانستان بیشتر دانشمندان ایران را بشناسند و از منابع ایرانی استفاده کنند.

- مصادف با دوره نخست سنایی پژوهی افغانستان، در ایران چند تن محدود سنایی پژوه داشتیم که پرکارترین آن‌ها استاد مدرس رضوی بود اما در ۲۴ سالی که افغانستان در گیر کودتا، تجاوز شوروی و مهاجرت بود. در ایران دانشمندان بیشتری در عرصه سنایی پژوهی قدم برداشتند و به تحقیق در مورد سنایی پرداختند، طبیعی هم هست که دانشمندان افغانستان از آن تحقیقات استفاده کنند.

۴-۲. تأثیرات آثار سنایی پژوهان افغانستان بالای آثار سنایی پژوهان ایران

در دوره نخست سنایی پژوهی طوری که پیش گفته شد، علوم انسانی و ادبیات به‌ویژه سنایی پژوهی در افغانستان مورد توجه کشورهای منطقه قرار گرفته و در برخی پژوهش‌های سنایی‌شناسی در ایران از این آثار استفاده شده است و تا جایی که بدنه یک مقاله گنجایش داشته باشد، برخی از این تأثیرات در زیر نشان داده می‌شود.

استاد مدرس رضوی: وی در تصحیح چاپ دوم دیوان سنایی ۲۱ غزل سنایی را که در نسخه معرفی شده استاد خلیلی موجود بوده، از مقاله «در باره یک نسخه قدیم کلیات سنایی» نقل کرده است. استاد مدرس در این مورد گوید:

از اتفاقات حسنه... رساله کوچکی که دانشمند معظم استاد خلیل‌الله خلیلی درباره یک نسخه قدیم اشعار سنایی نسخه مخطوط موزیم کابل تألیف نموده و نسخه‌ای از آن را به عنوان این حقیر اهدا و ارسال فرموده بودند و از مطالعه آن سرور زایدالوصفی این بنده را دست داد. از این که دریافت که آنچه درباره مقدمه رفا [محمدین علی رفا یا رفا کسی که مقدمه مثنوی حدیقه به وی منسوب است] و مشوش بودن آن در بیست‌و‌اندسال پیش حدس زده بود به واسطه یافت شدن این نسخه و مقدمه آن تأیید گردید. (مدرس رضوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

در بالا استاد مدرس از تأیید این نکته توسط خلیل‌الله خلیلی که مقدمه حذیق در این نسخه از خود سنایی است و بعد رفا به آن تطویل و تزییل نموده است، مسرور است چون خودش این مسئله را حدس زده بود. اما درباره درج ۲۱ غزلی که در آن نسخه موجود است و خلیلی نیز جهت معرفی به مقاله مذکور آن را انتقال داده است مدرس رضوی چنین گوید:

بعضی از غزلیات که در چاپ پیش به دست نیاورده و فهرستی از آن‌ها در مقدمه آورده بود از رساله فاضل معاصر استاد خلیل‌الله خلیلی که درباره نسخه قدیمی کلیات سنایی موزه کابل نوشته و بیست‌ویک غزل از غزلیات گمشده سنایی را از آن استخراج و در آن رساله آورده و هنگام طبع دیوان آن رساله به دست این جانب رسید و استفاده نمود و در این چاپ اضافه کرد (همان: صدوشست‌وپنج).

محمد رضا شفیعی کدکنی: کدکنی بهتر از همه سنایی‌شناسان ایران آثار سنایی‌شناسان افغانستان را می‌شناسد. در پایان کتاب تازیانه‌های سلوک ۱۸ اثری را که در مورد سنایی‌پژوهی در افغانستان نوشته شده است، مختصر معرفی می‌کند و می‌گوید که من این منابع را فقط برای خودم یادداشت کرده بودم اینجا نوشتم شاید کار کسانی بیاید که در این مورد مطالعه می‌کنند (کدکنی، ۱۳۹۸: ۵۳۹ تا ۵۴۳) اما استاد کدکنی در مورد زندگی‌نامه سنایی فقط از نخستین اثر سنایی‌پژوهی در افغانستان زیر عنوان احوال و آثار حکیم سنایی نوشته خلیل‌الله خلیلی استفاده کرده است (همان: ۶۰).

مریم حسینی: او در تصحیح فخری‌نامه یا حذیق از نسخه کابل و مقدمه نسخه کابل و گزارش استاد خلیل‌الله خلیلی که بالای نسخه کابل کار کرده، استفاده کرده است که فشرده آن بیان می‌شود:

- سال وفات سنایی و سخن استاد خلیلی را - که از روی کاغذ نسخه کابل تاریخ کتابتش را نیمه دوم قرن ششم حدس زده است - در مقدمه فخری‌نامه آورده است. (سنایی، ۱۳۸۲: ۴۵ و ۴۶)
- استاد خلیلی گوید: مقدمه‌ای که درج نسخه کابل است نوشته خود سنایی است و نام خود را نیز در آن ذکر کرده است و بار دیگر علی رفا یا رفا به آن تطویل و تزییل کرده است و به جای نام سنایی نام خود را آورده است. این نکته را نیز حسینی در مقدمه کتابش آورده است (همان: ۶۴؛ خلیلی، ۱۳۳۸: ۶).
- درباره احوال و کارهای عبداللطیف عباسی بنیروی، از مقاله «عبداللطیف عباسی سنایی‌شناس و مولوی‌شناس قرن ۱۱» عبدالحی حبیبی که در سال ۱۳۵۱ در مجله آریانا در شماره ششم نشر شده بود، استفاده برده است. (سنایی، ۱۳۸۲: ۵۳)

یدالله جلالی پندری: آقای پندری در کتاب غزل‌های حکیم سنایی غزنوی در چند مورد از منابع سنایی‌پژوهان افغانستان استفاده کرده است که به گونه کوتاه در مورد آن توضیح می‌آید. وی از تحقیقات

غلام‌صفر پنجشیری زیر عنوان تأثیر قرآن مجید در دیوان سنایی یاد می‌کند و می‌گوید که پنجشیری به چندین اشتباه در دیوان سنایی اشاره کرده که با عبارت‌های قرآنی مغایرت دارد (جلالی پندری، ۱۳۸۶: ۴۰). هم‌چنان در اشکال «ماء‌مهین» که در دیوان سنایی «ماه معین» ثبت شده است پندری به رساله تأثیر قرآن مجید در دیوان سنایی استناد می‌کند که وی چنین نقل دارد:

در بیت لفظ "معین" بی‌مورد است چه کلمه "ماء‌معین" به معنی آب روان آمده است.

مرگ با مهر تو باشد خوش‌تر از عمر ابد زهر با یاد تو باشد خوش‌تر از ماء‌معین

"ماء مهین" درست است، زیرا قرآن مجید وقتی که از خلقت بنی آدم به لفظ "ماء" سخن رانده است صفت او را "مهین" قرار داده است. "أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ" (پنجشیری، ۱۳۵۶: ۴۲) مرسلات/۲۰ آیا نیافریدیم شما را از آب پست و بی‌مقدار. (جلالی پندری، ۱۳۸۶: نودوهشت)

به همین گونه آقای جلالی پندری گزارش‌های استاد خلیل‌الله خلیلی در مورد نسخه کابل و مشخصات آن و اینکه ۲۱ غزل را مدرس رضوی از آن نقل کرده و مقدمه خود سنایی و تطویل علی رفاء بر آن مقدمه که در بالا در مورد پژوهش‌های استاد رضوی و مریم حسینی ذکر شد نیز آورده است (همان: ۹۹ تا ۱۰۱). ضمن یادآوری تواریخ وفات سنایی از رساله احوال و آثار حکیم سنایی خلیل‌الله و از مقدمه دیوان سنایی توسط مدرس رضوی، تاریخ ۵۲۹ پیشنهادی علی اصغر بشیر را در پاورقی مطرح آورده است (همان: ۱۰۱ تا ۱۲۹) این سال را بشیر از مقدمه نسخه کابل نقل کرده، چون در نسخه کابل وفات سنایی ۵۲۹ درج است. در رساله سیری در ملک سنایی هم همین تاریخ ذکر شده است. (بشیر هروی، ۱۳۵۶: ۳۳)

دکتر محمدرضا برزگر خالقی: وی در تصحیح دیوان سنایی نسخه موزه کابل را اساس قرار داده است و نیز گوید که نخستین بار این نسخه را در سال ۱۳۳۸ خلیل‌الله خلیلی معرفی کرده است و آنچه خلیل‌الله خلیلی در اوصاف این نسخه یاد کرده آقای برزگر خالقی در معرفی نسخ خویش و مقدمه دیوان سنایی استفاده کرده است (برزگر خالقی، ۱۳۹۳: ۲۳۱۱). همین‌گونه مصحح دیوان سنایی در زیر عنوان «سبک سنایی» از چهار اثر نایاب سنایی به تصحیح و مقدمه آقای غلام‌جیلانی، گزاره زیر را آورده است:

حتی وقتی سنایی از شاعران بزرگ خراسان تقلید هم می‌کرد تفاوتی با دیگران داشته است. فرخی که از روانی طبع و توانایی سخن‌سرایی شعر می‌سرایید درحالی‌که سنایی افزون بر طبعی روان، ذهنی لبریز از آگاهی‌های مختلف دارد که ناخودآگاه بر زبانش جاری و چاشنی شعرش می‌شود، همین حکمت‌اندیشی سنایی سبب می‌شود که کلامش در عین حال که خالی از دشواری نیست، از سخن دیگران ممتاز گردد (برزگر خالقی، ۱۳۹۳: هفتادوپنج).

دکتر رضا یوسفی و محسن محمدی: هر دو در بخش نخست شرح حقیقه‌شان موسوم به لطایف‌الحدایق (تصحیح و شرح نخست را به این نام عبداللطیف عباسی انجام داده بود) از چند اثر سنایی‌پژوهان افغانستان استفاده برده‌اند که به صورت فشرده تقدیم می‌گردد: از رسالهٔ سیری در ملک سنایی علی‌اصغر بشیر در مورد سفرهای سنایی، احتمال شاعر بودن پدر سنایی، دربارهٔ سال ۵۲۹ به اساس نسخهٔ موزهٔ کابل به عنوان تاریخ وفات سنایی، در چگونگی تحول روحی و سال ۵۱۸ به حیث آغاز تحول روحی، شاعر بودن سنایی از دورهٔ جوانی، تقسیم‌بندی کردن سنایی دیوانش را به اساس موضوع و آثار سنایی استفاده کرده است (یوسفی و محمدی، ۱۳۹۸: پانزده تا سی و چهار). قابل یاد کرد است که مصححان محترم لطایف‌الحدایق سال وفات سنایی را از صفحهٔ ۳۳، در چگونگی تحول روحی سنایی سخنانی را از صفحات ۲۴ و ۲۵ و ذکر سال ۵۱۸ را به حیث آغاز تحول روحی سنایی از صفحه ۵۱، احتمال شاعر بودن پدر سنایی را از صفحه ۸، از دورهٔ جوانی شاعر بودن سنایی را از صفحه ۱۱ و تقسیم‌بندی کردن دیوان را به اساس موضوع از صفحه ۷۷ با ذکر منبع از کتاب «سیری در ملک سنایی» علی‌اصغر بشیر هروی اخذ کرده‌اند. همین گونه در این شرح مقاله «عبداللطیف عباسی بنبروی مولوی‌شناس و سنایی‌شناس قرن یازدهم» عبدالحی حبیبی را کامل گنجانیده‌اند (همان: چهل تا پنجاویک). مصححان در کتاب‌نامهٔ این شرح کتاب‌های احوال و آثار حکیم سنایی خلیل‌الله خلیلی و حکیم سنایی و جهان‌بینی او نوشتهٔ سرور همایون را نیز به حیث منابع درج کرده‌اند اما در متن مقدمه از آن‌ها یاد نشده است.

برای اینکه مجال سخن بیش از حد یک مقاله نیست، فقط به ذکر چندتن که از آثار سنایی‌پژوهان افغانستان استفاده کرده‌اند، بحث را فشرده می‌کنیم: دکتر امیر بانوی کریمی در کتاب مختصر حقیقهٔ سنایی از کتاب‌های احوال و آثار حکیم سنایی خلیلی چاپ اول ۱۳۱۵، حکیم سنایی و جهان‌بینی او نوشتهٔ سرور همایون چاپ ۱۳۵۶، و دربارهٔ یک نسخهٔ قدیمی کلیات حکیم سنایی چاپ ۱۳۳۸ استفاده کرده است. دکتر علی‌اکبر افراسیاب‌پور در شرح جامع حقیقهٔ الحقیقه و شریعة الطریقه خود، از مقالهٔ عبدالحی حبیبی زیر عنوان «تحقیق بر تاریخ وفات سنایی» که در مجلهٔ یغما، سال سی‌ام، شمارهٔ ۱، ۱۳۵۶ نشر شده است استفاده کرده است.

پیش نیز گفته شد که در دورهٔ نخست سنایی‌پژوهی (۱۳۱۵ تا ۱۳۵۶) منابع سنایی‌پژوهان افغانستان، مورد توجه و استفادهٔ دانشمندان ایرانی قرار داشت و آنچه در بالا آوردیم، مراجعهٔ دانشمندان ایران به منابع تولیدشده سنایی‌پژوهشی مربوط به دورهٔ نخست را نشان می‌داد اما در دورهٔ سوم که آثار تحقیقی بیشتر از دورهٔ نخست داریم، دیگر شاهد مراجعه و استفاده از آثار تحقیقی سنایی‌پژوهان افغانستان توسط دانشمندان

ایران نیستیم، دقیق پس از سال ۱۳۵۶ توجه پژوهندگان ایران به پژوهش‌های ادبی پدیدآمده در افغانستان به‌ویژه آثار سنایی پژوهان افغانستان نه تنها کم شده بلکه به صفر رسیده است. از نظر این قلم، علت‌های عدم توجه دانشمندان ایرانی به آثار نوشته‌شده در افغانستان این‌هاست: عدم رابطه جمهوری اسلامی ایران و دانشمندان آن سامان با دولت حزب خلق افغانستان و فرهنگیان آن زمان افغانستان، از میان رفتن مراکز علمی و کتابخانه‌ها، فقدان تولید اثر بکر آن هم به سبب تجاوز شوروی، هجرت دانشمندان دوره نخست، مهاجرت پس از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ و نبود امکانات تحقیق در دیار هجرت. از سوی دیگر آنچه ذکر گردید، سبب شد تا نسل پس از کودتا (۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱) و تا امروزین نتوانند مانند نسل پیش از کودتا بار بیابند و رشته کارهای تحقیقی که قبل از کودتا آغاز شده بود، پاره شود. در چهل سال جنگ خانمان‌سوز همه چیز از میان رفت، در هیچ عرصه به‌ویژه پژوهش‌ها در زمینه علوم انسانی هیچ‌گونه پیشرفتی چشم‌گیر نداشتیم زیرا در ترس و گریز فکر تولید نمی‌شود، اندیشه به زمین و زمینه، به ثبات و مکان نیاز دارد و ما هرگز آن را نداشتیم.

۵. نتیجه

سنایی از جمله شاعران عارفی است که در زندگی و پس از مرگ و تا امروز مورد توجه پژوهندگان قرار دارد و این به سببی است که سنایی عرفان را نظام‌مند وارد شعر کرد و به عرفان در شعر تشخص سبکی داد پس سنایی در حقیقت نقطه عطف در شعر عرفانی محسوب می‌شود، بنابراین معرفی آن از سوی سنایی پژوهان، معرفی یکی از ستون‌های ادبیات فارسی به حساب می‌آید. پس از اینکه سنایی پژوهی در افغانستان در ۱۳۱۵ خ. با نوشتن رساله احوال و آثار حکیم سنایی آغاز می‌شود، سنایی پژوهان تا سال ۱۳۵۶ خ. بهترین و ارزشمندترین آثار پژوهشی را در مورد احوال و آثار سنایی تقدیم کرده‌اند که ما این مقطع زمانی را دوره نخست تاریخی سنایی پژوهی نام دادیم و آن را بهترین دوره و اوج آن را سال ۱۳۵۶ خواندیم. در دوره نخست دانشمندان افغانستان کمتر زیر تأثیر آثار بیرونی قرار داشتند و آثار پژوهشی آن‌ها مورد توجه جهان به‌ویژه پژوهندگان ایران قرار داشت. پس از سال ۱۳۵۷ تا امروز توجه دانشمندان بیرونی به‌ویژه دانشمندان ایران به آثار پژوهندگان افغانستان کم شده و حتی به صفر رسیده که علت آن عدم رابطه ایران با افغانستان، جنگ‌های داخلی، از میان رفتن مراکز تحقیقاتی و کتابخانه‌های آن سامان است. این جنگ و تجاوز و مهاجرت سبب شد که در دوره سوم سنایی پژوهی افغانستان، دانشمندان افغانستان منابعی جز آثار پدیدآمده دوره اول سنایی پژوهی افغانستان و آثار ایرانی نداشته باشند، بدین معنی که در ۲۰ سال اخیر (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹) منابع سنایی پژوهی افغانستان را آثار دوره نخست سنایی پژوهی و آثار ایرانی و به‌ندرت آثار خارجی تشکیل می‌داد.

نخستین استفاده از منابع افغانستان ظاهراً توسط مدرس رضوی صورت گرفته است. وی ۲۱ غزل سنایی را در چاپ دوم دیوان سنایی از رساله درباره یک نسخه قدیم کلیات حکیم سنایی اخذ کرده است. زیادترین استفاده از منابع سنایی پژوهان افغانستان را یوسفی و محمدی در مقدمه تصحیح دوباره شرح حدیقه موسوم به لطایف الحدایق عبداللطیف عباسی کرده‌اند طوری که در یک مقدمه در ۱۹ صفحه ۲۰ بار به رساله سیری در ملک سنایی از علی اصغر بشیر مراجعه و استناد کرده‌اند. جلالی پندری در درجه دوم استفاده از منابع سنایی پژوهی افغانستان قرار دارد، وی وفات سنایی و اشکالات دیوان‌های چاپی و درج آیات در آن و ویژگی‌های نسخه کابل را با استناد از منابع سنایی پژوهان افغانستان در مقدمه کتاب غزل‌های حکیم سنایی بیان کرده است. حسینی در استفاده از منابع سنایی پژوهی افغانستان در تصحیح و مقدمه حدیقه الحقیقه یا فخری نامه پس از آقای پندری قرار دارد. محمدرضا برزگر خالقی در تصحیح و مقدمه دیوان سنایی درباره ویژگی‌های نسخه کابل و سبک سنایی از منابع افغانستان استفاده کرده است.

کسی که بیشتر از همه سنایی پژوهان ایران منابع افغانستان را می‌شناسد شفیعی کدکنی است، وی در کتاب‌شناسی کتاب تاریخانه‌های سلوک از ۱۸ منبع دوره نخست سنایی پژوهی افغانستان نام برده است و در مقدمه فقط از رساله احوال و آثار حکیم سنایی خلیلی درباره سنایی استفاد کرده است. آنچه در مورد استفاده دانشمندان ایران از منابع سنایی پژوهی افغانستان یاد کردیم همه بر می‌گردد به منابع تولیدشده در دوره نخست تاریخی سنایی پژوهی (۱۳۱۵ تا ۱۳۵۶)؛ تا حال دیده نشده است که دانشمندی ایرانی از منابع دوره‌های بعدی سنایی پژوهی افغانستان استفاده کرده باشد.

واپسین سخن امید می‌رود که شرح حدیقه عبدالاحد عشرتی غزنوی که در سه جلد جلد اول و دوم در سال ۱۳۹۶ و جلد سوم در ۱۳۹۸ نشر شده است، ضمن کتب و مقالات دیگر، در ایران دوباره چاپ و نشر شود تا سنایی‌دوستان این سامان هم از تحقیقات سنایی پژوهان امروزین افغانستان بخوانند.

پی‌نوشت

۱. نویسنده مقاله از پژوهشگران افغانستانی هستند. ویژگی‌های زبانی ایشان در نگارش مقاله را تاجایی که در معنی اخلال ایجاد نشود، حفظ کردیم - ویراستار.

منابع

- بشیرافراسیاب‌پور، علی‌اکبر (۱۳۸۸) شرح جامع حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، تهران: عرفان
- بشیر هروی، علی‌اصغر (۱۳۵۶) سیری در ملک سنایی، کابل: چاپ بیهقی، وزارت اطلاعات و فرهنگ.

- پنجشیری، غلامصفر (۱۳۵۶) تأثیر قرآن مجید در دیوان سنایی، کابل: دانشگاه کابل.
- جلالی پندری، بدالله (۱۳۸۶) غزل‌های حکیم سنایی غزنوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۶) «تحقیق بر تاریخ وفات سنایی»، مجله یغما، س ۳۰، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۶۲۰-۶۲۶ و ۶۷۰-۶۷۸.
- خلیلی، خلیل‌الله (۱۳۱۵) احوال و آثار سنایی، کابل: انتشارات بیهقی.
- خلیلی، خلیل‌الله (۱۳۳۸) درباره یک نسخه قدیمی کلیات حکیم سنایی، کابل: نشر و چاپ ریاست تالیف و ترجمه وزارت معارف.
- دری، زهرا (۱۳۸۸) دری به باغ حقیقت (گزیده حدیقه الحقیقه)، کرج: انتشارات سرافراز.
- روستایار، سیدعلی‌شاه (۱۳۸۷) جهان بی‌انتهای (اندیشه‌های عرفانی سنایی غزنوی)، کابل: چاپخانه احمدی، انتشارات بیهقی.
- روستایار، سیدعلی‌شاه (۱۳۹۲) حدیقه و مثنوی (نگرشی مقایسه‌ای بر حدیقه و مثنوی)، کابل: چاپخانه احمدی، انتشارات بیهقی.
- رهبین، محمداقصر (۱۳۹۸) دگرگونی غزل در اندیشه‌گاه سنایی، کابل: بی‌نا
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۶) «درس‌گفتارهایی درباره سنایی (سنایی نماینده دوره گذار)»، پایگاه اطلاع‌رسانی شهر کتاب، <http://www.bookcity.org>
- سالمیان، غلامرضا (۱۳۸۶) کتاب‌شناسی توصیفی سنایی غزنوی، تهران: نشر دانشگاهی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود (۱۳۹۳) دیوان سنایی، به تصحیح و مقدمه محمدرضا برزگر خالقی، تهران: انتشارات زوار.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود (۱۳۸۸) دیوان سنایی، به تصحیح و مقدمه مدرس رضوی، تهران: چاپخانه احمدی، انتشارات سنایی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود (۱۳۸۲) حدیقه الحقیقه الشریعة الطریقه (فخری نامه)، به تصحیح مریم حسینی، تهران: نشر مرکز دانشگاهی.
- شفیعی کدکنی (۱۳۹۷) تازیانه‌های سلوک، چاپ هیجدهم، تهران: نشر آگه.
- عابد، عبدالجبار (۱۳۹۶) آرا و اندیشه حکیم سنایی، کابل: چاپخانه شمشاد، اکادمی علوم افغانستان.
- عشرتی غزنوی، عبدالاحد (۱۳۹۶) شرح حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ج ۱، کابل: چاپ رستم، کمیته علمی و فرهنگی شورای اجتماعی غزنه.
- عشرتی غزنوی، عبدالاحد (۱۳۹۸) شرح حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، ج ۳، کابل: چاپ رستم، کمیته علمی و فرهنگی شورای اجتماعی غزنه.
- مایل هروی، غلام رضا (۱۳۶۰) «ذیل سیرالعباد سنایی»، مجله خراسان، س ۱، ش ۴، ص ۳۵ تا ۵۳.
- همایون، غلامسرور (۱۳۸۹) حکیم سنایی و جهان‌بینی او، کابل: مطبوعه آزادی، انتشارات بیهقی.
- همایون، غلامسرور (۱۳۶۱) «نامه به مدیر مجله (نامه سنایی یا جامی)»، مجله خراسان، س ۲، ش ۴، ص ۱۱۳-۱۱۱.
- همایون، غلامسرور (۱۳۷۲) «سال در گذشت سنایی»، قندپارسی، ش ۶، ص ۷۷ تا ۸۷.
- همایون، غلامسرور (۱۳۹۲) «مثنوی طریق‌التحقیق از کیست؟»، مجموعه مقالات نهمین سالروز میلاد سنایی، مهتمم عبدالحمید نبی‌زاده، کابل: انتشارات بیهقی، ص ۱۱۶ تا ۱۳۰.
- همایون، غلامسرور (۱۳۸۳) «مثنوی طریق‌التحقیق از کیست؟»، نامه فرهنگستان، ش ۴، پیاپی (۲۴)، ص ۹۸ تا ۱۰۸.
- یوسفی، محمدرضا و محسن محمدی (۱۳۹۸) شرح حدیقه سنایی (لطایف الحدایق عبداللطیف عباسی)، قم: انتشارات دانشگاه قم.